

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1387/01/18

دومین دلیلی که برشهادت ثلاثه ارائه کردیم آیه 23 از سوره شوری **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى** بود در اینجا باید سه مطلب در نظر گرفته شود:

**اول: مَنْ هُمْ اقربًا رَسُولَ اللَّهِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ** اقربای رسول صلی الله علیه وآله وسلم در این آیه چه کسانی هستند؟

**دوم:** آیا این مودت قریبی از روی تعصب قبیله گوی است؟

**سوم:** ارتباط این اصل با رسالت نبی مکرم صلی الله علیه وآله وسلم چیست؟

**نکته اول:** روایات متعددی از نبی مکرم صلی الله علیه وآله وسلم و صحابه و تابعی هست که اقربا، یعنی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام می باشند

زمخشری در کتاب **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل ج 4 ص 220** می گوید: **لما نزل قل لا اسئلكم عليه قيل يا رسول الله، من قرابتك هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم؟ قال: علي و فاطمة و ابناهما**

وقتی این آیه نازل شد از حضرت سوال شد یا رسول این اقربایی که مودت آنها بر ما واجب شده است چه کسانی هستند؟ حضرت بیان کردند این اقربا علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام می باشند.

بعد زمخشر وقتی این روایت را نقل می کند در ادامه می گوید:

و يدل عليه ما روى عن على رضى الله عنه: شكوت إلى رسول الله، حسد الناس لى. فقال «أما ترضى أن تكون رابع أربعة: أول من يدخل الجنة أنا و أنت و الحسن و الحسين، و أزواجنا عن أيماننا و شمائلنا، و ذريتنا خلف أزواجنا»  
و بر این اقربای دلالت می کند آنچه که از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که حضرت به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شکایت کردند به خاطر حسدی که مردم نسبت به ایشان.

حضرت فرمودند: پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: علی جان نمی خواهی چهار تا از چهار تا باشی و اولین کسانی که وارد بهشت می شوند من و تو و حسن و حسین علیهما السلام است و زوجات ما از چپ و راست و ذریات ما از پشت سر ما داخل بهشت می شوند.

و همچنین زمخشر باز نقل می کند «و عن النبي صلى الله عليه و سلم: «حُرِمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي و آذَانِي فِي عَتْرَتِي. و من اصطنع صنيعة إلى أحد من ولد عبد المطلب و لم يجازه عليها فأنا أجازيه عليها غدا إذا لقيني يوم القيامة»

بهشت حرام است بر کسی که به اهل بیتم ظلم کند و آنها را اذیت کند و هر کس کار نیکی نسبت به اهل بیتم انجام دهد اگر اهل بیتم پاداش او را در دنیاندهند من خودم فردای قیامت پاداش آنها را خواهم داد.

روى أن الأنصار قالوا: فعلنا و فعلنا، كأنهم افتخروا انصار گفتند که ما فلان کار را انجام دادیم با پیغمبر عهد و پیمان بستیم در جنگها از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفاع کردیم گویا بوی افتخار و فخر می آمد،

فقال عباس أو ابن عباس رضى الله عنهما: لنا الفضل عليكم، هر آنچه شما فخر کنید باز فضل برای ماست

فبلغ ذلك رسول الله صلى الله عليه و سلم، فأتاهم في مجالسهم فقال: «يا معشر الأنصار، ألم تكونوا أذلة فأعزكم الله بي؟» قالوا بلى يا رسول الله. قال: «أفلا تجيبونني» قالوا: ما نقول يا رسول الله؟ قال: «ألا تقولون: أ لم يخرجك قومك فأويناك، أو لم يكذبوك فصدقناك، أو لم يخذلوك فنصرناك» قال: فما زال يقول حتى جثوا على الركب و قالوا: أموالنا و ما في أيدينا لله و لرسوله. فنزلت الآية (قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة فى القربى).

حضرت انصار را جمع کرد و فرمود: آیا شما در ذلت زندگی نمی کردید خدای عالم به برکت من به شما عزت داد گفتند بله یارسول الله حضرت فرمودند آیا شما در گمراهی به سر نمی بردید که خدای عالم به واسطه من شما را هدایت کرد گفتند بله یارسول الله حضرت فرمودند: چرا جواب مرا نمی دهید گفتند چه بگوییم حضرت فرمودند: شما ای انصار این گونه بگویید که ای رسول خدا آیا قومت تو را اخراج نکردند و ما سر پناهت دادیم و آنها تو را تکذیب کردند و ما تصدیقت کردیم و آنها زمینه خاری تو را فراهم کردند و ما یاریت کردیم و حضرت درحال سخن گفتن بود و انصار بر روی زانو نشسته اند و سینه ها به جلو؛ همگی گفتند تمام امول ما و هر آنچه که در دستمان هست همگی برای خدا و رسولش باشد؛ پس آیه نازل شد من از شما پول نمی خواهم قدرت نمی خواهم اگه می خواهید اجر رسالت مرا بدهید فقط مودت قریبا را داشته باشید

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلًا الْإِيمَانِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشْرُهُ مَلَكَ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ وَ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يُرْفُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تُرْفُ الْعَرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَتِيحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ

وَ الْجَمَاعَةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْثُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ  
عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْمَنَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ

الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل ج4/ص221

هر که بمیرد بر دوستی آل محمد شهید مرده باشد، بدان و آگاه باش که هر که بدوستی آل محمد بمیرد مغفور مرده،  
و هر که بر دوستی آل محمد بمیرد تائب مرده، و هر که بدوستی آل محمد بمیرد مؤمن مرده که استکمال ایمان  
کرده باشد، و هر که بدوستی آل محمد بمیرد ملك الموت او را بشارت دهد ببهشت و منکر و نکیر مبشر او باشند، و  
هر که بدوستی آل محمد بمیرد بطریق زفاف او را ببهشت برند همچنان که زفاف عروس بجانب زوج او، و هر که  
بدوستی آل محمد بمیرد در قبر دو در بهشت را بر روی او باز کنند، و هر که بدوستی آل محمد بمیرد قبر او مزار  
ملائکه رحمت باشد، و هر که بر دوستی آل محمد بمیرد مرده باشد بر طریقه سنت نبوی و جماعت مصطفوی، و بدان  
که هر که بمیرد بر بغض آل محمد چون بقیامت درآید نوشته باشد در میان هر دو چشم او که این از رحمت الهی  
مایوس و مهجور است، و هر که بر بغض آل محمد بمیرد کافر مرده باشد، و هر که بر بغض آل محمد بمیرد رایحه  
جنت بمشام شوم او نرسد.

قرطبی در تفسیر جامع الاحکام القرآن ج16 ص21الی23 همین این مطلب بالا را نقل می کند.

و جالب اینجاست که امام المشککین آقای فخررازی در تفسیر مفاتیح الغیب ج27 ص595

خود عبارت زمخشری را نقل می کند و یک تعلیقه ای زیبا براین مطلب می زند و می گوید:

روی صاحب «الكشاف»: أنه لما نزلت هذه الآية قيل يا رسول الله من قرابتك هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم؟

فقال علي و فاطمة و ابناهما، فثبت أن هؤلاء الأربعة أقارب النبي صلى الله عليه و سلم و إذا ثبت هذا وجب أن يكونوا مخصوصين بمزيد التعظيم و يدل عليه (جایگاه ویژه دارند) وجوه: الأول: قوله تعالى: **إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى** و وجه الاستدلال به ما سبق الثاني: لا شك أن النبي صلى الله عليه و سلم كان يحب فاطمة عليها السلام قال صلى الله عليه و سلم: «فاطمة بضعة مني يؤذيني ما يؤذيها»

وقتی این آیه نازل شده از حضرت سوال شده که منظور از قرابت در این آیه چه کسانی هستند حضرت فرمودند علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و وقتی که مشخص شد که منظور از قرابت این چهار نفر هستند و اینها یک جایگاه ویژه ای دارند و به چند دلیل بر این موضوع می توان استناد کرد:

**دلیل اول:** همان آیه قل لا استلکم هست و **دلیل دوم:** اینکه هیچ شکی نیست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم حضرت فاطمه علیها السلام را دوست می داشتند و فرمودند: که فاطمه پاره تن من است هرکسی او را اذیت کند مرا اذیت کرده است

و ثبت بالنقل المتواتر عن رسول الله صلى الله عليه و سلم أنه كان يحب عليا و الحسن و الحسين و إذا ثبت ذلك وجب على كل الأمة مثله لقوله:

وقتی از روی احادیث متواتر ثابت شد پیغمبر صلی الله علیه و سلم علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را دوست داشتند واجب است بر هر امتی، تبعیت کردن از پیغمبر صلی الله علیه و سلم به خاطر قول خداوند که می فرماید:

**وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ [الأعراف: 158]**

و لقوله تعالى: **فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ [النور: 63]**

و لقوله قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ [آل عمران: 31]

مردم اگر شما خدا را دوست دارید از من تبعیت کنید تا خدا شما را هم دوست داشته باشد و یکی از مصادیق حب رسول الله صلی الله علیه و سلم حب اهل بیت علیهم السلام است

و لقوله سبحانه لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (یکی از مصادیق اسوه حسنه محبت اهل بیت است) [الأحزاب:

[21]

الثالث: أن الدعاء للآل منصب عظيم و لذلك جُعِلَ هذا الدعاء خاتمة التشهد في الصلاة و هو قوله اللهم صل على محمد و على آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد، و هذا التعظيم لم يوجد في حق غير الآل، فكل ذلك يدل على أن حب آل محمد واجب

«مفاتيح الغيب ج 27 ص 595»

و سومین دلیل : اینکه دعا برای آل محمد صلی الله علیه و سلم یک جایگاه خیلی بزرگی است و لذا این دعا در پایان تشهد قرار گرفته است و این بزرگی، در غیر آل محمد صلی الله علیه و سلم یافت نمی شود و تمام این دلایل واجب می کند محبت آل محمد صلی الله علیه و سلم را.

و قال الشافعي رضي الله عنه:

يا راکبا قف بالمحْضَبِ مِن مِنی

و اهْتَفِ بساکنِ خِيفِها و الناهِضِ

ای سوار در(محصب)کنار رمی جمره بایستد و بانگ بزن مردمی را که در آنجا ساکن یا در رفت و آمد هستند

سحرا إذا فاض الحجيج إلى منى

فيضا كما نظم الفرات الفاض

واین بانگ زدن هم هنگام سحر باشد و آن هنگامی که حاجی ها به منا می آیند که به مانند موج آبی که خروشان می کنند

إن كان رفضا حب آل محمد

فليشهد الثقلان أني رافضي

اگر دوست داشتن آل محمد رافضی گری است پس جن وانس شاهد باشند که من رافضی هستم

نکته دیگری که در این جا هست خطبه امام حسن علیه السلام است که با سند صحیح نقل کردند، هیثمی نقل میکند از ابوالطفیل که یکی از صحابی پیامبر ص بوده (که در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مشهور به شیعه علی علیه السلام بوده است) نقل است که بعد از شهادت امیر المومنین علیه السلام بالای منبر رفت و خطبه ای خواند در آن خطبه امیر المومنین علیه السلام را ذکر نمود و گفت امیر المومنین علیه السلام خاتم الاوصیا و وصی الانبیاء است . و یکی از مواردی که صریح در وصیات دارد، خطبه امام حسن مجتبی علیه السلام است :

قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ الْأَزْدِيُّ الْوَرَّاقُ عَنْ سَلَامِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ عَنْ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ قَالَ: خَطَبَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بَعْدَ وَفَاةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ع فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَتْنَى عَلَيْهِ وَ ذَكَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا فَقَالَ خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وَصِيَّ خَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَمِيرِ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ لَقَدْ فَارَقَكُمْ رَجُلٌ مَا سَبَقَهُ الْأَوْلُونَ بِعِلْمٍ وَ لَا يُدْرِكُهُ الْآخِرُونَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُعْطِيهِ الرَّايَةَ يُقَاتِلُ جَبْرَيْلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ ميكائيلُ عَنْ يَسَارِهِ فَمَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ اللَّهُ لَقَدْ قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي قُبِضَ فِيهَا وَصِيُّ مُوسَى ع وَ عُرِجَ بِرُوحِهِ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي

فِيهَا رُفِعَ بِرُوحِ عِيسَى ع وَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي أَنْزَلَ فِيهَا الْفُرْقَانَ وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ ذَهَباً وَ لَا فِضَّةً إِلَّا شَيْئاً عَلَى صَبِيٍّ لَهُ وَ مَا تَرَكَ فِي بَيْتِ الْمَالِ إِلَّا سَبْعِمِائَةً وَ خَمْسِينَ دِرْهَمًا فَصَلَّتْ عَنْ عَطَائِهِ أَرَادَ أَنْ يَشْتَرِيَ بِهَا خَادِمًا لِأُمَّ كُلْثُومٍ ثُمَّ قَالَ مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ النَّبِيِّ ص ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ قَوْلَ يُوسُفَ ع وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ ثُمَّ أَخَذَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ أَنَا ابْنُ الْبَشِيرِ وَ أَنَا ابْنُ النَّذِيرِ وَ أَنَا ابْنُ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَ أَنَا ابْنُ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ وَ أَنَا ابْنُ الطُّهْرِ الَّذِي أُرْسِلَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَآئِيَتَهُمْ وَ مَوَدَّتَهُمْ فَقَالَ فِيمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا وَ اقْتِرَافِ الْحَسَنَةِ مَوَدَّتَنَا

رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْأَوْسَطِ وَالْكَبِيرِ بِاخْتِصَارٍ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: لَيْلَةَ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ مِنْ رَمَضَانَ.

وَأَبُو يَعْلَى بِاخْتِصَارٍ، وَالْبَزَّازُ بِنَحْوِهِ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: وَيُعْطِيهِ الرَّايَةَ، فَإِذَا حُمَّ الْوَعَى فَقَاتَلَ جَبْرِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَقَالَ: وَكَانَتْ إِحْدَى وَعِشْرِينَ مِنْ رَمَضَانَ

وَرَوَاهُ أَحْمَدُ بِاخْتِصَارٍ كَثِيرٍ، وَإِسْنَادُ أَحْمَدَ، وَبَعْضُ طُرُقِ الْبَزَّازِ، وَالطَّبْرَانِيُّ فِي الْكَبِيرِ، حِسَانٌ.

«مجمع الزوائد 146/9»

امام حسن عليه السلام بعد از رحلت حضرت امير عليه السلام سخنرانی کرد و راجع بحضرت امير عليه السلام فرمود: علی عليه السلام خاتم الوصیین، وصی خاتم الأنبياء، امیر صدیقین و شهیدان و نیکوکاران بود.

ایها الناس! يك مردی از شما مفارقت نموده كه کسی از گذشتگان بر او سبقت نگرفته و احدی از آیندگان او را درك نخواهد كرد. پیامبر اسلام علم را بدست علی میداد و جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ آن حضرت میجنگیدند، علی باز نمی گشت تا اینکه فاتح و غالب می شد. علی عليه السلام طلا و نقره ای بجای نهد، مگر يك



چیز جزئی از برای کودکی که داشت. از بیت المال چیزی بجای نگذاشت مگر هفتصد درهم که از بخشش‌های آن حضرت زیاد آمده بود و میخواست غلامی برای ام کلثوم خریداری نماید.

سپس فرمود: هر کس مرا میشناسد که میشناسد، و کسی که مرا نمیشناسد بداند که من پسر حضرت محمد صلی الله علیه و آله میباشم - آنگاه این آیه را بزبان حضرت یوسف خواند: من متابعت از ملت پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب نمودم (سوره یوسف، آیه - 38) ایها الناس! من پسر بشیر و نذیر یعنی حضرت محمد هستم، من پسر آن کسی میباشم که مردم را بسوی خدا دعوت میکرد، من پسر آن کسی هستم که نوری درخشانده بود، من پسر آن شخصی میباشم که برای مردم عالم رحمت بود، من از آن اهل بیتی هستم که خدا پلیدی را از آنان بر طرف نموده و ایشان را بنحو مخصوصی پاک و پاکیزه کرده است، من از آن اهل بیتی میباشم که جبرئیل بر ایشان نازل میشد و از نزد آنان عروج میکرد، من از آن اهل بیتی هستم که خدا دوست داشتن آنان را واجب کرده است، و این آیه را در این باره برسول خود نازل نموده و فرموده: بگو: من از شما غیر از دوست داشتن ذوی القرباء یعنی اهل بیتم چیزی نمیخواهم (سوره شورا، آیه - 22).

این حدیث را وقتی هیثمی نقل می کند می گوید رواه الطبرانی فی الاوسط والکبیر ولی به اختصار بیان کرده است و همچنین رواه احمد باختصار کثیر یعنی احمد بن حنبل این حدیث را به اختصار زیادی در مسندش نقل کرده است

«واسناد احمد و بعض الطرق البزار و الطبرانی احسان» تمام این سندها حسن است «مجمع الزوائد 146/9»

و همچنین سیوطی از بخاری نقل کرده است از قول خلیفه اول در تفسیر آیه قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی خلیفه اول گفت: پیغمبر را در مورد اهل بیتش محافظت کنید

و أخرج البخاري عن أبي بكر الصديق رضي الله عنه قال ارقبوا محمدا صلی الله علیه و سلم في أهل بيته

الدر المنثور فی تفسیر المأثور ج 6 ص 7، تاریخ الخلفاسیوطی ص 98

روایتی از امام صادق علیه السلام **الكافي (الطبعة القديمة) ج 8 ص 93**

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرِ الْأَحْوَلِ وَ أَنَا أَسْمَعُ أَتَيْتِ الْبَصْرَةَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ كَيْفَ رَأَيْتِ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَ دُخُولَهُمْ فِيهِ قَالَ وَ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ وَ لَقَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ فَقَالَ عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ - ثُمَّ قَالَ مَا يَقُولُ أَهْلُ الْبَصْرَةِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ - قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهَا لِأَقْرَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ كَذَبُوا إِنَّمَا نَزَلَتْ فِيْنَا خَاصَّةً فِي أَهْلِ الْبَيْتِ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ

اسماعیل بن عبد الخالق گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام از ابی جعفر احوال می پرسید:

بصره بودی؟ عرض کرد: آری، فرمود: شتافتن مردم را در این مذهب (شیعه) و وارد شدن آنان را در آن چگونه دیدی؟ عرض کرد: بخدا آنها کم هستند و با اینکه کار هم (برای مذهب خود) میکنند ولی آن هم کم است، فرمود: بر تو باد بجوانها (و بیشتر بآنها توجه داشته باشید) زیرا آنها بسوی هر کار خیری شتابانتر (از دیگران) هستند، سپس فرمود: اهل بصره در باره این آیه چه گویند: «بگو من از شما مزدی نخواهم جز دوستی خویشاوندانم» (سوره شوری آیه 23) من عرض کردم: قربانت آنها گویند این آیه در مورد عموم خویشان رسول خدا (ص) است، فرمود: دروغ میگویند، و همانا این آیه در مورد ما خاندان بالخصوص یعنی در باره اهل بیت: علی و فاطمه، و حسن و حسین، اصحاب کساء علیهم السلام نازل گشته است.

ورویات متعددی در این زمینه است که در کتاب سبیل النجاة فی تتممة المرجعات که تقریباً 30 مصدر از کتب از مصادر اهل سنت نقل کرده است .

نقلی از آقای کورانی است امام صادق علیه السلام می فرمایند:

والله لو كان جدی رسول الله قد اوصاهم بتقتیلنا ماضاقوا

اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امت دستور می داد که ما را به شدت تارومار کنند ، بیش از این هم

نمی کردند که الان انجام دادند.

کتاب الانتصار/6/472

والسلام علیکم و رحمہ الله و برکاتہ